

فقر شهری در ایران؛ فراتحلیل و یک مرور نظام‌مند

محمد پورترکاریونی^۱

دکتر محمود شارع‌پور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۲

چکیده:

از سال ۲۰۰۸ نیمی از جمعیت دنیا در مناطق شهری زندگی می‌کنند. یکی از جنبه‌های مهم این تغییرات، افزایش جمعیت فقیر شهری است که بخش زیادی از آنها در کشورهای درحال توسعه ساکن هستند. با گسترش این پدیده ما با فرایند «شهری شدن فقر» روبه‌رو هستیم. این امر خود باعث افزایش دغدغه محققان اجتماعی شده است که نتیجه آن تولید دانش فقر شهری است. در طول ۴۰ سال گذشته در ایران نیز تلاش‌های مستمری برای شناخت علل، فرایند، پیامدها و اندازه‌گیری فقر شهری صورت گرفته است. در این پژوهش با روش فراتحلیل و مرور نظام‌مند به بررسی آثار فقر شهری محققان ایرانی پرداخته شد. یافته‌ها نشان داد که بیشترین تحقیقات در حوزه فقر شهری مربوط به رشته اقتصاد است. از منظر روش‌شناسی، پارادایم کمی پارادایم غالب است و فقر شهری در ایران بیشتر از دریچه آمار و اعداد، نقشه و جدول بررسی شده است و چندان جایی برای صداها، روایت‌ها، تجارب زیسته و بازنمایی فرایند فقر به‌وسیله فقرای شهری وجود ندارد. هم‌چنین نتایج دیگر نشان داد استان‌هایی که نرخ فقر شهری بالایی دارند، تحقیقات بسیار کمتری در این حوزه دارند و نیز تحقیقات فقر شهری در ایران از چشم‌اندازهای بستری/ساختاری به این موضوع نگرسته‌اند و رویکردهای عاملیت/مقاومت و کنش/صدا در این تحقیقات چندان جایگاهی ندارند و یافته مهم دیگر اینکه، کمبود تحقیقات فقرپژوهی در میان کودکان، زنان، معلولان و گروه‌های قومی کاملاً مشهود است.

واژگان کلیدی: فقر شهری، فراتحلیل، هژمونی اقتصاد، پارادایم کمی.

^۱ دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران

^۲ استاد گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران

۱- مقدمه

از ۲۰۰۸ نیمی از جمعیت دنیا زندگی در مناطق شهری را شروع کردند. برآورد می‌شود جمعیت شهری دنیا از ۲/۸۶ میلیارد در ۲۰۰۰ به ۴/۹۸ میلیارد نفر تا ۲۰۳۰ برسد (کوهن، ۲۰۰۴). درمقابل، انتظار می‌رود اندازهٔ جمعیت روستایی دنیا از ۳/۱۹ میلیارد در ۲۰۰۰ به ۳/۲۹ میلیارد نفر تا ۲۰۳۰ برسد. جنبهٔ قابل ذکر دیگر این رشد شهری، این است که بیشتر از ۹۰ درصد این رشد در کشورهای درحال توسعه رخ می‌دهد، یعنی هرساله حدود ۷۰ میلیون ساکن جدید به مناطق شهری این کشورها افزوده می‌شود. به‌علاوه، انتظار می‌رود طی ۲۰ سال آینده، جمعیت شهری فقیرترین مناطق دنیا مانند آسیای جنوبی و صحرای سینا در آفریقا دوبرابر شود. بنابراین، با آنکه در شرایط مطلق، جمعیت روستایی دنیا به‌زودی کمتر از جمعیت شهری خواهد شد، تعداد افراد فقیر شهری افزایش می‌یابد. مشخص است که حتی اگر نسبت‌های فقر شهری ثابت بماند، رشد جمعیت شهری بر افزایش تعداد افراد فقیر شهری دلالت دارد (سریده‌ها، ۲۰۱۵). با وجود اصلاحات مداوم و برنامه‌های کاهش روند ازدیاد فقر شهری، در بسیاری کشورهای در حال توسعه همچنان بالاست. درهرصورت، تعداد زیاد افراد فقیری که در مناطق شهری زندگی می‌کنند، موجب شکل‌گیری «شهری شدن فقر» شده است.

ارزیابی کلی مناطق فقیرنشین تحت مطالعهٔ برنامهٔ اسکان بشر ملل متحد^۱ (۲۰۰۳) نشان می‌دهد ۹۲۴ میلیون، یا به‌عبارتی ۳۲ درصد جمعیت شهری دنیا در مناطق فقیر اقامت دارند که اگر فرضیه‌های پیش‌بینی رشد بالای شهری‌سازی فقر در کشورهای درحال توسعه درست از آب دربیاید، این مسئله باعث ایجاد چالش‌های مربوط به این مقوله می‌شود (همان).

با توجه به شهری شدن فقر و گستردگی پدیده فقر در سطح جهان برخی از پژوهشگران معتقدند که فقر شهری به طور کلی با فقر روستایی تفاوت دارد (حداد، ۲۰۱۳^۲؛ ساترتوایت، ۲۰۱۳^۳؛ راتن، ۱۹۹۴^۴). نخست اینکه برخلاف فقر روستایی فقر شهری چند بعدی است که ابعاد آن شامل آسیب‌پذیری اساسی و نیازهای برآورده نشده فقرا است که در فقدان دست‌یابی آنها به منابع معیشتی و اقتصادی، زمین و مسکن، زیرساخت‌های کالبدی و خدمات، سلامت و امکانات آموزشی، شبکه تأمین اجتماعی و توانمندی خود را نشان می‌دهد. دوم اینکه، فقر شهری پدیده‌ای شدیداً وابسته به پول است؛ برخلاف فقر روستایی فقرای شهری بایست هر چیز را از بازار بخرند که این امر

^۱ Cohen^۲Urban Poverty^۳Sridhar^۴Urbanization of poverty^۵UN-Habitat^۶Haddad^۷Satterthwaithe^۸Wratten

آن‌ها را در مقابل شوک‌های بیرونی و درونی به اقتصاد آسیب‌پذیر می‌کند. سوم، پیچیدگی نهادی در شهر در مقایسه با روستا با رقابت بیشتر بین انواع مختلف منابع اقتدار رسمی و غیررسمی بیشتر است. چهارم، ممکن است به نظر برسد دستیابی به خدمات در نواحی شهری بیشتر شده باشد، اما اغلب کیفیت آن‌ها نامطلوب و رقابت برای آن‌ها شدید است. پنجم، پیوندها و روابط متقابل غیررسمی احتمالاً در مناطق شهری شکننده‌تر است و ششم، برخی از محققان معتقدند که فقر شهری اغلب کمتر از حد ممکن تخمین زده می‌شود. آمارهای رسمی به طور سیستماتیک تمایل دارند که فقر شهری را به دلیل فقدان تعدیل هزینه‌های زندگی مانند حمل و نقل، مسکن در برآورد فقر درآمد/مصرف، فقدان جداسازی در نواحی شهری و تعریف نابسند از دستیابی به ذخیره آب و بهداشت، مسکن کافی و دیگر متغیرهای زیرساختی را کمتر گزارش دهند (سامانتا، ۲۰۱۵).

با توجه به اهمیت روزافزون فقر شهری (أمیس،^۲ ۱۹۹۵؛ ساترتوایت،^۳ ۲۰۰۱؛ راولیون و همکاران،^۴ ۲۰۰۷؛ آریمه،^۵ ۲۰۱۰؛ حداد، ۲۰۱۲؛ ماتور،^۶ ۲۰۱۳) و تبعات و پیامدهای ناشی از آن (نهاد بین‌المللی توسعه و محیط زیست،^۷ ۲۰۱۳؛ حداد و همکاران، ۱۹۹۹)، بسیاری از پژوهشگران در نهادها و محافل علمی سراسر کشورهای جهان به این پدیده توجه جدی نموده‌اند. در ایران نیز مطالعات گسترده‌ای در این خصوص صورت گرفته است؛ از بررسی‌های جامعه‌شناسی (پیران، ۱۳۶۶، ۱۳۸۴) و جغرافیایی فقر شهری گرفته تا بررسی‌های اقتصادی (حاضری، ۱۳۸۷؛ راغفر، ۱۳۹۴)، و مردم‌نگارانه (پارسا پزوه، ۱۳۸۱). حال پس از گذشت چند سال از مطالعات انجام شده پیرامون این نوع وضعیت از فقر بررسی انباشت و تولید دانش فقر شهری یک ضرورت به شمار می‌آید.

فراتحلیل در خصوص مطالعات فقر شهری ایران به صورت بسیار معدودی انجام شده است. در تنها مطالعه‌ای که در این خصوص انجام شده است، محمدی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی مطالعات فقر در ایران پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بخش اعظم مطالعات در حوزه اقتصادی است، فقر در این مطالعات بیشتر به شکل متغیر وابسته مطرح شده است و به لحاظ روش‌شناسی رویکرد غالب رویکرد مکانیکی و دور از زندگی مردم است. نکته بسیار مهم این فراتحلیل این است که نتوانسته بر روی تغییرات در مفهوم‌سازی فقر و شکل‌گیری پدیده‌ای به نام فقر شهری تأکید نماید و

^۱Samanta

^۲Amis

^۳Satterthwaite

^۴Ravallion & et al

^۵Arimah

^۶Mathur

^۷International Institute for Environment and Development

فقر را به صورت یک امر کلی مطرح نموده‌است. حال با توجه به خلاء این مسئله پرسش‌های اصلی این تحقیق از این قرار است که:

- مطالعات فقر شهری از منظر روش‌شناسی بر چه روش‌هایی تأکید و تمرکز دارند؟
 وضعیت علوم مختلف که در حوزه فقر شهری فعالیت دارند به چه شکل است؟
 وضعیت آثار پژوهشی فقر شهری بر حسب نرخ فقر استان‌های مختلف ایران به چه شکل است؟
 دانش فقر شهری در ایران بیشتر در چه حوزه و زمینه‌هایی تولید شده است؟
 دانش فقر شهری در ایران برحسب دیدگاه‌های نظری فقر شهری مطرح شده است؟
 دانش فقر شهری در ایران از زمان تولید تاکنون به چه میزان بوده‌است؟

۲- مرور متون نظری مرتبط

مفهوم فقر شهری

تلاش‌ها در جهت تعریف فقر شهری به‌ویژه در شهرهای واقع در جهان جنوب به‌ندرت صورت گرفته‌است. در این خصوص، مقاله تأثیرگذار آلن راتن (۱۹۹۵) ۴ ویژگی فقر شهری را شناسایی کرد که به‌طور مکرر به‌وسیله دیگران دنبال شده و بسط یافته است.

مقاله راتن (۱۹۹۵) از بوته آزمون زمان سربلند بیرون آمد، زیرا اندک افرادی، خصوصیتی که او توجهات را به آن‌ها جلب می‌کند را رد می‌کنند. افراد در شهرها به‌عنوان فضاهایی گرد هم می‌آیند که مشخصه آن‌ها هم‌جواری بیشتر با کاربردهای متفاوت زمین، گروه‌های اجتماعی و تراکم فضای ساخته‌شده است. طبق معمول حکومت نزدیک‌تر است و مشارکت در معیشتی که متأثر از پول نباشد امری بسیار دشوارتر است؛ بنابراین، به‌صورت مجزا و در قالب یکپارچه، این ویژگی‌های مختلف هم به‌عنوان علت فقر و هم نشانگان فقر محسوب می‌شوند.

یکی دیگر از تلاش‌های برجسته درخصوص بررسی ویژگی‌ها و ابعاد فقر شهری مربوط به به فیلیپ آمیس (۱۹۹۵) است. پرداختن به آن نوشته مفید است؛ زیرا درحالی‌که او از راتن نقل‌قول می‌کند، اما بر دیگر عناصر تأکید داشته و توجهات را به دیگر خطوط موجود در مباحث پیرامون تعاریف فقر شهری جلب می‌کند که ما در اینجا به خطوط کلی آن‌ها را ترسیم می‌کنیم.

از نظر آمیس (۱۹۹۵)، مباحث فقر شهری، با تمرکز بر مسئله شهرنشینی، از یک نکته مهم غفلت می‌کنند. به اعتقاد او، فرایند پرولتاریا سازی^۱ یا میزان وابستگی معاش افراد به دستمزد نقد فقر شهری را تعیین می‌کند؛ به‌عبارت‌دیگر، این مسئله آن‌چنان‌که به سرمایه‌داری مرتبط است، چندان مشخصاً شهری تلقی نمی‌شود و بنابراین، این نوع فقر می‌تواند به‌طور بالقوه در اقتصادهای روستایی پول‌محور شناسایی شود.

آمیس ۹ ویژگی را که بسیاری از آن‌ها با ویژگی‌های ذکر شده در دیدگاه‌های سایر صاحب‌نظران دارای نقاط مشترک هستند شناسایی می‌کند. به‌عنوان مثال، تعاریف او در تمرکز بر جنبه‌های کالایی شده فزاینده زندگی شهری، سرمایه‌های غیرقابل اطمینان و کم‌ارزش، قرار گرفتن در معرض آلودگی صنعتی، دسترسی اندک به کالاهای عمومی جایگزین هنگام از توان افتادن کالاهای خصوصی و فروش غیراقتصادی (نسبتاً گران) اجناس، کالاها و خدماتی که به‌واسطه درآمد‌های کم یا نامنظم ضروری محسوب می‌شوند.

نکته متمایز در این میان، استدلال پرولتاریاسازی اوست؛ بر این مبنا که فقر شهری عمدتاً به‌واسطه موقعیت افراد در بازار کار تعریف می‌شود که در عوض به‌وسیله ماهیت بازارهای کار، تقسیم‌کار و سطوح کار فصلی در شهرهای واقع در کشورهای جنوب شکل می‌گیرند. این موقعیت‌ها در بازار کار به‌واسطه مقرراتی که به وسیله آموزش، تبعیض اجتماعی و موقعیت مناطق مسکونی در ارتباط به فرصت‌های اشتغال تعیین می‌شود حفظ می‌شوند. جزئیات دیگری مانند این، بر بحثی گسترده‌تر تأکید دارد، اما بر اهمیت درآمد به‌عنوان مؤلفه‌ای تعریف‌کننده برای فقر شهری نیز تأکید می‌کند.

در ادامه بحث‌ها درخصوص ویژگی‌ها و تعاریف فقر شهری، مقاله دیوید ساترتوایت (۲۰۰۱) تلاش سرنوشت‌ساز دیگری در جهت گسترش فهم و درک نسبت به فقر شهری تلقی می‌شود. او با ترکیب ادبیات موجود و دیدگاه مناسب‌تر خودش، توضیح بیشتری درباره راتن ارائه می‌دهد تا مشخصه‌های مختلف شهر، که فقر شهری را تعریف می‌کنند، شناسایی کند. اگرچه بحث پیرامون اهمیت نسبی فقر روستایی در برابر فقر شهری هنوز در جریان است و این ابعاد از چارچوب فقر شهری تعدیل شده است، اما دغدغه ساترتوایت بیشتر گسترش فهم فقر شهری در درون خود است تا اینکه آیا تمایزی خاص میان فقر شهری و روستایی وجود دارد.

تعریف فقر شهری که تعریفی بسط‌یافته است، قویاً بر این بازشناسی بنا می‌شد که زندگی در مناطق شهری متأثر از پول است و اینکه شهرها مراکز مورد تأیید رشد اقتصادی و قدرت سیاسی، کانون نهادهای دولتی دارای اشتراک در انواع و سطوح مختلف، سازمان‌های غیردولتی و نهادهای کمک‌رسانی بین‌المللی محسوب می‌شوند. این مسئله که زندگی شهری متأثر از پول است، مستلزم دسترسی به درآمد ثابت از طریق اشتغال و یا سرمایه‌ای امن برای پس‌انداز یا تولید پول نقد است و یا سیاست‌های اجتماعی که اساس ابعاد مختلف رفاه را تشکیل می‌دهند.

درواقع در جدیدترین همکاری میتلین^۱ و ساترتوایت (۲۰۱۳) این موضوعات را با بصیرت بسیار عمیقی بسط می‌دهند. در اثر میتلین و ساترتوایت (۲۰۱۳)، بعد دیگری به ابعاد دیگر اضافه می‌شود. این ابعاد بعد از تعیین‌کننده‌ها و در ارتباط با اشکال نهادی و سازمانی ویژه و تمهیدات سازمانی در جلد راهنمای اثر ساترتوایت و میتلین (۲۰۱۴) بیشتر بسط می‌یابد.

^۱Mitlin

رویکردهای نظری فقر شهری

از زمانی که فقر شهری به‌وسیلهٔ محققان و تحلیل‌گران بر ساخت شده است تاکنون، به‌صورت رویکردها و دیدگاه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است که به شکل کلی می‌توان آنها را به ۴ دسته تقسیم کرد: رویکرد محافظه‌کارانه، بستری/ساختاری، عاملیت/مقاومت و رویکرد کنش/صدا.

رویکرد محافظه‌کارانه

رویکرد محافظه‌کارانه با تمرکز بر ویژگی‌های روانی، اخلاقی، فکری، رفتاری و فرهنگی افراد در شرایط فقر مشخص می‌شود. در این رویکرد، افرادی که در فقر زندگی کنند به‌عنوان «آسیب‌دیده» توصیف می‌شوند. آن‌ها ویژگی‌های منحصرأ منفی، نقائص و ضعف‌هایی مانند عزت نفس پایین، دستاوردهای فکری پایین دارند (کرومر نوو و بنجامین، ۲۰۱۰).

رویکرد محافظه‌کارانه در بررسی فقر شهری از نظرگاه‌های مختلفی تشکیل شده است. نظرگاه اول به کسانی تعلق دارد که فقر برای آن‌ها پدیده‌ای رفتاری یا بیمارگونه و آسیب‌شناختی است. بدین معنا که فقیران به عمد تنبل و بی‌کاره هستند، و اینکه آن‌ها به‌طور موروثی و ژنتیکی آمادگی و گرایش به فقیر بودن دارند، یا ترکیبی از هر دو. بدین ترتیب، این نظرگاه، توصیفی است که منبع یا علت فقر را مستقیماً در وجود افراد فقیر قرار می‌دهد. این معنا که فقیران تنبل هستند، سابقه‌ای دراز دارد و نشان‌گر قائل بودن به وجه تمایزی دیرین بین فقیران مستحق و غیرمستحق است؛ گروه اول، مثلاً کسانی که از کار افتاده به دنیا می‌آیند، با فضیلت و گروه دوم فاقد اخلاق قلمداد می‌شوند. این فکر که فقیران به‌نحوی موروثی (ژنتیکی) فروترند، مربوط به ادوار اخیر است و از اواخر قرن نوزدهم همراه با پیشرفت زیست‌شناسی پدید آمد. یکی ادعا می‌کند که فقیران مسئول وضعیت نامطلوب خویش‌اند، درحالی‌که دیگری مراتب و وضعیت اجتماعی ما را به میراث زیست‌شناختی‌مان مربوط می‌داند (فیتزپاتریک، ۱۳۸۱).

رویکرد بستری/ساختاری

استدلال اصلی رویکرد این است که فقر نتیجه «ساختار محدود فرصت»هایی است که برای زنان به‌ویژه زنان رنگین‌پوست و نیز اقلیت‌های قومی نسبت به سایر گروه‌های اجتماعی بیشتر است. این ساختار خودش را از طریق کارهای ناامن و کوتاه‌مدت، محدود منزوی و غیرصنفی، اقامت‌گاه‌ها و محیط‌های خشن و ناسالم، مدارس با کیفیت پایین و فقدان قدرت سیاسی نشان می‌دهد. این تحلیل نهادی نشان می‌دهد که چگونه فرایندهای بازار کار قطبی شده، رنج فقر را بر هزاران کارفرما و خانواده‌هایشان در سرتاسر جهان تحمیل می‌کند (همان).

رویکرد عاملیت/مقاومت

مفروض اصلی این رویکرد این است که افراد فقیر به‌عنوان افرادی دارای اراده، قدرت و مهارت‌هایی ترسیم می‌شوند که عامل‌هایی فعال در زندگی‌شان هستند و در مقابل فقر مقاومت می‌کنند. این رویکرد نقص اخلاقی مفروض، انفعال، وابستگی افرادی را که در فقر زندگی می‌کنند، با شیوه‌های فراوانی که افراد بهترین مسیر عملشان را درون ساختارهای فرصت محدود مذاکره می‌کنند، به چالش می‌کشد. این مطالعات توانایی این افراد را برای بقا و حتی شکوفا شدن در یک محیط نژادپرستانه و از نظر اقتصادی دارای رکود نشان می‌دهد (همان).

رویکرد کنش/صدا

یکی از گونه‌های مشهور دانش کنونی فقر «صدا دادن» به افرادی است که در فقر زندگی می‌کنند. مطالعاتی که بر صدا دادن تأکید می‌کنند، از این ایده بهره می‌گیرند که افرادی که در فقر هستند «کارشناسان زندگی روزمره» هستند و آن‌ها دانش خاصی یا دانش مربوط به زندگی دارند که شامل دیدگاه‌ها، تفاسیر، معانی، فرضیات، تحلیل‌ها و نظریه‌هاست. رویکرد کنش/صدا با الهام فرض‌هایی از رویکردهای ساختاری/بستری و عاملیت/مقاومت به بررسی فقر می‌پردازد؛ یعنی نیروهای ساختاری فقر را به‌وجود می‌آورند و اینکه افرادی که در فقر زندگی می‌کنند، قادرند عاملیت فعال و انواعی از شکل‌های مقاومت داشته باشند. با الهام از نظریه چشم‌انداز، این رویکرد از این ایده ظاهر می‌شود که کسانی که در حاشیه جامعه قرار می‌گیرند دیدگاهی منحصر به فرد و دانشی عمیق در ارتباط با فقر و نواقص و محدودیت‌های نهادهای اجتماعی، ساختارها و سیاست دارند (کرومر-نو و بنجامین، ۲۰۱۰).

۳- روش‌شناسی تحقیق:

این پژوهش به‌منظور نیل به مرور نظام‌مند، که هدف مطالعه است، از روش فراتحلیل کیفی بهره می‌جوید. فراتحلیل و فرامطالعه غالباً در حوزه بررسی مطالعات فلسفی، تاریخ فکری، تاریخ و فلسفه علم و دیگر شاخه‌هایی که به‌نحوی بر تکامل و نقد اندیشه‌ها و تحول و نمایش دانش متمرکز هستند به کار می‌رود، که فرامطالعه شامل فراتحلیل‌هایی است که در زمان‌ها مختلف انجام می‌شوند و به مقایسه و مقابله اطلاعات می‌پردازند (ذاکر صالحی و قانع‌راد، ۱۳۹۴). در این پژوهش با استفاده از روش کریپندورف مبتنی بر مراحل شش‌گانه ذیل استفاده شده است:

۱. طراحی زمینه کار (تعیین محیط پژوهش و متدولوژی)
۲. جست‌وجوی آثار و منابع
۳. واحدبندی داده‌ها (مضامین، واژگان و پیام‌های مهم و...)
۴. نمونه‌گیری از داده‌ها (نکات مهم متن)
۵. کاهش داده‌ها و تنزل آنها به چند گونه/طبقه

۶. استنتاج و تفسیر داده‌ها (همان).

در این مطالعه، مطابق مراحل روش‌شناختی پیش‌گفته، ابتدا زمینه کار با بررسی ادبیات موضوع از طریق مطالعه اسنادی آغاز شد و سپس آثار و منابع لازم جست‌وجو شد. برای فراتحلیل کیفی آثار مکتوب پژوهشگران ایرانی، کلیه مطالعات انجام‌شده در بازه زمانی دهه ۶۰ تا میانه دهه ۹۰ به صورت مقاله، که حدود ۲۹۰ مقاله است، فیش‌برداری، کدگذاری و تحلیل شدند. در ابتدا با مراجعه به پایگاه‌های اطلاعات علمی از قبیل پایگاه مجلات تخصصی نور، پورتال جامع علوم انسانی، مگ ایران و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) کلید واژه‌های فقر شهری، سکونت‌گاه‌های غیررسمی، آلودگی‌نشینی، زاغه‌نشینی، کودکان کار و خیابانی و دیگر مفاهیم نزدیک به فقر شهری بررسی و گردآوری شدند. در نهایت با بررسی آثار، ۲۶۰ مقاله انتخاب شد. استخراج مؤلفه‌های مختلف از میان این آثار، اشباع داده‌ها را در سطح مطالعات داخل نشان داد و داده‌ها به مرز تکرار رسید.

رویکرد محقق در سازمان‌دهی فراتحلیل استقرایی (حرکت از جزء به کل) بوده و فرایند اکتشافی طی شده است. سپس به دنبال استقرای دیدگاه‌ها و نظریات موجود در آثار تحت بررسی، جهت تقلیل داده‌ها به منظور طبقه‌بندی موضوعی و کیفی اقدام شد و سرانجام داده‌ها با توجه به مطالعات اسنادی اولیه تحت تفسیر قرار گرفتند. فراتحلیل کیفی یکی از راه‌های نیل به گونه‌شناسی نمونه‌های تحت مطالعه است (همان).

هم‌چنین برای بررسی روایی و پایایی به روش ذاکر صالحی و قانع‌راد (۱۳۹۴)

۱. طیف وسیعی از یافته‌های مطالعات قبلی در کانون توجه قرار گرفت، نه طیف محدودی از آنها. بدین نحو که در انتخاب آثار، ترکیبی از نظرها و دیدگاه‌های مختلف ملاحظه و وارد آثار منتخب شد.

۲. فهرست آثار انتخاب‌شده از حیث علمی بودن و دارا بودن کمترین ویژگی‌های لازم، به نظر ۲ نفر از اساتید آشنا با موضوع رسید و آثار غیرمهم یا ژورنالیستی و ضعیف حذف شد.

۳. در نهایت، براساس پرسش‌های تحقیق کاربرگی تهیه شد که براساس آن هرکدام از مقالات براساس پرسش‌های تحقیق مورد واری قرار گرفت و در نهایت، یافته‌های نهایی مورد تفسیر قرار گرفت.

۴- یافته‌ها و بحث:

در این قسمت به یافته‌های کیفی و دسته‌بندی مقولاتی نظیر روش‌های به کار بسته در بررسی فقر شهری، علوم مسلط بر فقر پژوهی در ایران و آثار پژوهشی فقر شهری برحسب سطح توسعه استان‌ها پرداخته می‌شود.

پرسش اول: وضعیت فقر شهری بر حسب نوع مجلات در ایران چگونه است؟
 نتایج مربوط به وضعیت آثار پژوهشی درباره فقر شهری در ایران نشان می‌دهد از مجموع ۲۶۰ مقاله بررسی شده ۱۷ مقاله (۰/۷) در مجلات علمی- ترویجی و ۲۴۳ مقاله (۰/۹۳) در مجله‌های علمی- پژوهشی منتشر شده‌اند. بنابراین با توجه به آمار توصیفی بیشترین آثار در فقر شهری در نشریات علمی- پژوهشی منتشر شده‌اند.
 پرسش دوم: وضعیت تولید دانش فقر شهری در ایران بر حسب رشته‌های مختلف چگونه است؟

جدول (۱): توزیع فراوانی آثار فقر شهری در ایران بر حسب رشته‌های مختلف

درصد	فراوانی	رشته
۳۶/۵۴	۹۵	اقتصاد
۲۴/۲۳	۶۳	جغرافیا
۲۴/۲۳	۶۳	جامعه‌شناسی
۸/۰۸	۲۱	میان‌رشته‌ای ^۱
۲/۶۹	۷	رفاه اجتماعی
۱/۱۵	۳	مردم‌شناسی
۱/۱۵	۳	مطالعات زنان
۰/۷۷	۲	تاریخ
۰/۳۸	۱	مددکاری
۰/۳۸	۱	علوم سیاسی
۰/۳۸	۱	علوم تربیتی
۱۰۰	۲۶۰	جمع مقاله‌ها

منبع: نگارندگان

نتایج جدول شماره ۱ مربوط به توزیع فراوانی رشته‌های فعال در حوزه فقر شهری نشان می‌دهد که از رشته‌ها و علمی که به بررسی فقر شهری پرداخته‌اند، رشته‌های اقتصاد (۳۶/۵۴ درصد)، جغرافیا و جامعه‌شناسی (۲۴/۲۳) بیشترین آثار و فعالیت‌های پژوهشی را در زمینه فقر شهری و رشته‌هایی مانند مددکاری، علوم سیاسی و علوم تربیتی (۰/۳۸) کمترین آثار را منتشر کرده‌اند. بنابراین رشته اقتصاد در زمینه فقر پژوهی شهری هژمونی کامل دارد. این رشته در این زمینه فراوان‌ترین آثار را تولید کرده‌است و رشته مددکاری، که انتظار می‌رود در این حوزه به تحقیقات بیشتری پرداخته شده باشد، کمترین حضور را در این عرصه داشته‌اند.
 پرسش سوم: وضعیت تولید دانش فقر شهری بر حسب نرخ فقر استان‌ها به چه شکل است؟

^۱ میان‌رشته‌ای در این تحقیق به اثری اشاره می‌کند که ترکیبی از دیدگاه‌ها، روش‌ها و بینش‌های مشترک در میان علوم مختلف را استفاده کرده باشد.

جدول (۲): وضعیت انجام تحقیقات فقر شهری برحسب نرخ فقر استان‌ها

نرخ فقر شهری استان‌ها		توزیع فراوانی استان‌ها برحسب نرخ فقر و بیکاری	
درصد	فراوانی	استان	نرخ فقر شهری
۲۶/۰۸	۴۲	تهران	12/5
۱۰/۵۵	۱۷	اصفهان	19/4
۸/۰۷	۱۳	اذربایجان شرقی	18/6
۷/۴۵	۱۲	خوزستان	21/7
۵/۵۹	۹	کرمانشاه	23/8
۴/۳۴	۷	یزد	5/7
۴/۳۴	۷	کرمان	31
۴/۳۴	۷	کردستان	9/7
۳/۷۲	۶	فارس	9
۳/۱۰	۵	البرز	21/4
۲/۴۸	۴	لرستان	17/1
۱/۸۶	۳	خراسان رضوی	11/6
۱/۸۶	۳	خراسان شمالی	19/2
۱/۸۶	۳	ایلام	7/4
۱/۸۶	۳	همدان	11/1
۱/۸۶	۳	گیلان	10/2
۱/۸۶	۳	سیستان و بلوچستان	42/3
۱/۸۶	۳	سمنان	22/9
۱/۲۴	۲	هرمزگان	25/4
۱/۲۴	۲	خراسان جنوبی	12/4
۱/۲۴	۲	قم	30/5
۰/۶۲	۱	مرکزی	15/4
۰/۶۲	۱	زنجان	16
۰/۶۲	۱	اردبیل	11/3
۰/۶۲	۱	قزوین	9/1
۰/۶۲	۱	گلستان	35/5
۰	۰	چهارمحال و بختیاری	1/5
۰	۰	کهگیلویه و بویراحمد	2/8
۰	۰	بوشهر	17/9
۳۸	۹۹	تحقیقات ملی	-
۱۰۰	۲۶۰	جمع	۱۰۰

جدول شماره ۲ نتایج مربوط به آثار و فعالیت‌های پژوهشی را در حوزه فقر شهری برحسب نرخ فقر استان‌های مختلف نشان می‌دهد. همان‌طور که از نتایج این تحقیق پیداست، استان

سیستان و بلوچستان که بالاترین نرخ فقر شهری (۴۲,۳) را در بین استان‌های کشور است، دارای یکی از پایین‌ترین آمار (۱,۹۱) مربوط به کارهای پژوهشی در فقر پژوهی شهری و استان بوشهر که دارای نرخ فقر (۱۷,۹) تقریباً بالایی است، تاکنون تحقیقی در خصوص فقر شهری در این استان صورت نگرفته است. همچنین بررسی وضعیت مربوط به استان کرمان نشان می‌دهد که این استان دارای نرخ فقر شهری ۳۱ درصد است، اما از منظر آثار پژوهشی یکی از پایین‌ترین نرخ‌ها (۷ اثر معادل ۴/۴۶ درصد) را به خود اختصاص داده است. با توجه به این نتایج به نظر می‌رسد فقر پژوهی شهری در ایران بیشتر متمرکز بر شهرها و استان‌های توسعه‌یافته از قبیل تهران (۳۲ اثر با نرخ فقر ۱۲,۵ درصد) و اصفهان (۱۷ اثر با نرخ ۱۹,۴ درصد) است.

پرسش چهارم: تولید دانش در خصوص فقر شهری در ایران به لحاظ روش‌شناسی وابسته به چه نوع روش‌شناسی‌هایی است؟

جدول (۳): روش‌شناسی پژوهش‌های فقر شهری در ایران

روش‌شناسی	روش	فراوانی	درصد
روش کمی	اقتصادسنجی	۹۶	۳۶/۹
	پیمایشی	۹۱	۳۵
	تحلیل فضایی	۲۲	۰/۵۸
روش کیفی	مروری	۲۱	۰/۱۸
	مردم‌نگاری	۹	۰/۵۳
	روش تاریخی	۴	۱/۵
	نظریهٔ زمینه‌ای	۲	۰/۸۰
	پدیدارشناسی	۲	۰/۸۰
روش ترکیبی	کمی-کیفی	۱۳	۵
جمع		۲۶۰	۱۰۰

جدول شمارهٔ ۳ مربوط به بررسی روش‌شناسی پژوهش‌های فقر شهری در ایران نشان می‌دهد که از مجموع ۲۶۰ تحقیق انجام‌شده در این حوزه ۹۱ اثر (معادل ۳۵ درصد) با روش پیمایشی، ۹۶ اثر (۳۶/۹ درصد) با روش اقتصادسنجی و ۲۲ اثر (۸/۵ درصد) با تحلیل فضایی انجام شده‌است. همچنین سایر نتایج آمار توصیفی بالا نشان می‌دهد که ۲۱ اثر به روش مروری (۸/۱ درصد)، ۹ اثر (۳/۵ درصد) با روش مردم‌نگاری، ۴ اثر (۱/۵ درصد) به روش تاریخی، ۲ اثر (۰/۸ درصد) با روش پدیدارشناسی، ۲ اثر (۰/۸ درصد) نظریهٔ زمینه‌ای و ۱۳ اثر (۵ درصد) با روش‌های ترکیبی انجام شده‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به این نتایج پارادایم کمی مسلط‌ترین رویکرد در حوزهٔ فقر پژوهی است و روش‌های کیفی و ترکیبی کمترین آثار را در این حوزه دارند.

پرسش پنجم: دانش فقر شهری در ایران بیشتر در چه حوزه و زمینه‌هایی تولید شده است؟

جدول (۴): تولید دانش فقر شهری برحسب حوزه‌ها و زمینه‌های مورد بررسی

ردیف	حوزه‌های مورد بررسی	فراوانی	درصد
۱	فقر عمومی	۱۲۲	۴۶/۹
۲	مناطق حاشیه‌نشین	۱۰۸	۴۱/۵
۳	زنان	۱۳	۵
۴	کودکان	۱۳	۵
۵	گروه‌های قومی- نژادی	۳	۱/۱
۶	معلولین	۱	۰/۴۰
۷	سال‌مندان	۰	۰
۸	جمع	۲۶۰	۱۰۰

جدول بالا نتایج مربوط به تولید دانش فقر شهری را در ایران بر حسب حوزه‌های مورد بررسی نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که بیشتر دانش فقر شهری در حوزه و زمینه فقر عمومی (۴۶,۹ درصد) و مناطق حاشیه‌نشینی (۴۱,۵ درصد) و کمترین آثار در حوزه گروه‌های اجتماعی زنان (۵ درصد) کودکان (۵ درصد)، گروه‌های قومی و نژادی (۱,۱ درصد)، حوزه معلولین (۰,۴ درصد) و سال‌مندان (۰ درصد) تولید شده است. با توجه به این نتایج، حوزه‌های فقر زنان، کودکان، معلولین و سال‌مندان با توجه به اهمیت خاصشان چندان در مرکز توجه تحقیقات فقر شهری در ایران قرار ندارند.

پرسش ششم: دانش فقر شهری در ایران برحسب دیدگاه‌های نظری فقر شهری مطرح شده است؟

جدول (۵): تولید دانش فقر شهری در ایران برحسب دیدگاه‌های نظری

ردیف	دیدگاه‌های نظری	فراوانی	درصد
۱	محافظه‌کارانه	۳۲	۱۲
۲	بستری/ ساختاری	۱۹۴	۷۵
۳	عاملیت/ مقاومت	۱۶	۶
۴	کنش/ صدا	۱۸	۷
۵	جمع	۲۶۰	۱۰۰

منبع: نگارندگان

همان‌طور که نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد تولید دانش با توجه به مقوله‌بندی محافظه‌کارانه، بستری/ ساختاری، عاملیت/ مقاومت و کنش/ صدا مورد بحث و بررسی قرار گرفت. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده آثار فقرپژوهی در ایران به شکلی منتشر شده‌اند که دیدگاه بستری/ ساختاری ۷۵ درصد این آثار، دیدگاه محافظه‌کارانه ۱۲ درصد، عاملیت/ مقاومت ۶ درصد و دیدگاه کنش/ صدا ۷ درصد را تشکیل می‌دهند. با توجه به این نتایج آمار توصیفی می‌توان گفت که دیدگاه مسلط بر ادبیات فقر شهری در ایران دیدگاه بستری/ ساختاری و نیز دیدگاه محافظه‌کارانه است و دیدگاه عاملیت/ مقاومت و کنش/ صدا چندان جایی در طول چند دهه بررسی فقر شهری در ایران ندارند. از مصادیق این دیدگاه‌ها در بررسی فقر شهری با نگاه محافظه‌کارانه می‌توان به آثار احمدی و ایمان (۱۳۸۴) پروین و درویشی فرد (۱۹۴)، عنبری و بقایی (۱۳۹۳) که به بررسی «فرهنگ فقر و آسیب‌های اجتماعی در محلات شهری» پرداخته‌اند. هم‌چنین از آثار که با نگاه بستری/ساختاری به بررسی فقر شهری در ایران پرداخته‌اند، می‌توان به کارهای توسلی و نورمحمدی (۱۳۹۱)، نورمحمدی و حاضری (۱۳۸۷) و حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۳)، که به عوامل ساختاری، فضایی، اقتصادی و بستری فقر پرداخته‌اند، اشاره کرد. از میان آثاری که با دیدگاه عاملیت/ مقاومت به موضوع فقر شهری پرداخته‌اند، می‌توان به آثار آصف بیات (۱۳۷۹) با عنوان «سیاست‌های خیابانی» و پیران (۱۳۸۱) «بازهم در باب اسکان غیررسمی مورد: شیرآباد زاهدان»، ارمکی و صادقی (۱۳۹۵) «خودمانی‌سازی بازار؛ تهی‌دستان و سیاست معاش» که در آن به عاملیت ساکنان در سکونت‌گاه‌های غیررسمی پرداخته‌اند و آنها را به‌مثابه افرادی که در برابر مشکلات ناشی از فقر مقاومت از خود نشان می‌دهند اشاره کرد. هم‌چنین از منظر کنش و صدا می‌توان به آثار قادری و افضلی (۱۳۹۰) «برساخته شدن واقعیت فقر برای فقرا» و مقالهٔ ارزشمند فکوهی و پارسا‌پژوه (۱۳۸۷) «بررسی انسان‌شناختی محلهٔ آلونک‌نشین علی‌آباد مهران» اشاره کرد.

پرسش هفتم: دانش فقر شهری در ایران از زمان تولید تاکنون به چه میزان بوده است؟

جدول (۶): سیر تولید دانش فقر شهری در ایران

ردیف	دهه	فراوانی	درصد
۱	۶۰	۱۱	۴
۲	۷۰	۷	۳
۳	۸۰	۱۱۰	۴۲
۴	۹۰	۱۳۲	۵۱
جمع		۲۶۰	۱۰۰

منبع: نگارندگان

جدول شمارهٔ ۶ نتایج مربوط به تولید دانش فقر شهری در ایران از دههٔ ۶۰ تاکنون را نشان می‌دهد. همان‌طور که از نتایج بالا پیداست، کمترین تولید دانش فقر شهری مربوط به دههٔ ۶۰ (۴)

درصد) و بیشترین آثار تولید شده مربوط به دهه ۹۰ (۵۱ درصد) است. از این نتایج روشن است که رشد دهه ۸۰ و ۹۰ به بعد دانش فقر شهری به اهمیت و اثرات آن و نیز افزایش نشریات علمی و پژوهشی در دهه‌های اخیر قابل تبیین است.

۵- نتیجه‌گیری

یکی از پرسش‌های اساسی این تحقیق دلالت بر این دارد که سهم رشته‌های مختلفی در بررسی فقر شهری در ایران به چه شکل بوده‌است که با توجه به یافته‌هایی که در این تحقیق به دست آمد، رشته اقتصاد (۹۵ اثر معادل ۳۷ درصد) بیشترین ادبیات و یافته‌ها در خصوص فقر شهری در ایران به چاپ رسانده است. با توجه به این یافته، فقر در شهرهای ایران بیشتر از طریق مدل‌های اقتصادسنجی، اندازه‌گیری خط فقر، بینش برآوردی و رگرسیونی به مسئله فقر، مورد بررسی قرار گرفته‌است که این خود شاید از یک منظر، تصویری از صورت و ظاهر مفهوم چندبعدی فقر به ما بازنمایی کند، اما مانع از دست‌یابی به پیچیدگی مفهوم و لایه‌های زیرین واقعیت فقر شهری می‌شود و تنها با تأکید به وجه آماری فقر شهری مسئله سیاست‌مدار پسند می‌شود.

یکی دیگر از یافته‌های مهم این تحقیق این است که روش‌شناسی حاکم بر فقر شهری در ایران پارادایم کمی است. همان‌طور که نتایج نشان داد روش پیمایشی (۳۷ درصد) و روش اقتصادسنجی نیز (۳۵ درصد) و تحلیل فضایی (۸ درصد) بیشترین سهم را در بررسی فقر شهری دارند، که این کمی‌گرایی با توجه پیشرفت علوم اجتماعی در زمینه گسترش روش‌های کیفی (چمبرز، ۱۹۹۸؛ نارایان و همکاران، ۲۰۱۵؛ بیات، ۱۳۷۹) و نیز روش‌های ترکیبی (فهمی و همکاران، ۲۰۱۵) در مسئله فقر باعث غافل ماندن از صداها، کنش‌ها و استراتژی‌های افراد در شرایط فقر می‌شود. به عبارتی، تمرکز یک‌جانبه بر این نوع از روش‌ها باعث می‌شود که جامعه (چه مردم و چه سیاست‌مداران) از رنج‌ها و مشقت‌هایی که فقرا برای رسیدن به نیازهایشان طی می‌کنند غافل شود. نگاه از بیرون روش‌شناسی حاکم بر فقرپژوهی در ایران به فقر و فقرای شهری این امکان را از فقرا می‌گیرد تا بتوانند صدا، نیاز، خواسته، مطالبه و رنج‌های اجتماعی خود را منعکس کنند؛ که پیامد تسلط این گفتمان آن است که شرایط زندگی فقرا شهری در پس آمارها، مدل‌ها و تحلیل‌های فضایی گم شود. پس لزوم یک زبان تازه در فقر (رهنما، ۱۳۷۲) احساس می‌شود.

دیگر یافته‌های این تحقیق نشان داد که استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان، بوشهر و هرمزگان که دارای بالاترین نرخ فقر شهری هستند، کمترین تحقیقات در مورد فقر شهری را دارند. با توجه به این یافته‌ها، به نظر می‌رسد که تحقیقات فقر شهری در ایران چندان با سطح محرومیت و

^۱Chambers

^۲Narayan and et al.

فقر شهرها و استان‌ها ارتباط ندارد و به‌نوعی تحقیقات فقر شهری در استان‌های خاصی، از جمله تهران و اصفهان، که دارای سطوح توسعه‌یافتگی خاص خود هستند، انجام شده است. به زبانی دیگر، سیاست‌های توسعه در ایران باید به مناطق توسعه‌نیافته و فقیر (چمبرز، ۱۳۷۶) الویت دهد.

از دیگر نتایج این تحقیق، این‌که فقر شهری بیشتر در زمینه‌های عمومی، بدون در نظر گرفتن گروه‌های اجتماعی درگیر در شرایط فقر بررسی شده است. به عبارتی، گروه‌هایی مثل کودکان، زنان، سال‌مندان و قومیت‌ها (از جمله کولی‌ها، لوتی‌ها و پناهنده‌ها از قبیل افغان‌ها) در ایران ساکن در مناطق فقیرنشین کمترین یافته‌ها در زمینه فقر شهری را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به این یافته‌ها به نظر می‌رسد کلی‌نگری گفتمان فقرپژوهی ایران باعث شده است پیچیدگی‌های موجود در حوزه زنان و کودکان که به توجه جدی نیازمند هستند، نادیده انگاشته شود و راه برای بازتولید فقر در این گروه‌های اجتماعی هموار شود. زیرا آنچه که اکنون در فقرپژوهی جهان رایج است، توجه به فقر زنان، نژادها و قومیت‌ها است.

در پاسخ به پرسش دیدگاه‌های حاکم بر تحقیقات فقر شهری در ایران نتایج نشان داد که عموماً تحقیقات در ایران از لحاظ تئوریک به دیدگاه‌های بستری/ ساختاری و محافظه‌کارانه وابستگی دارد. به عبارتی، در این تحقیقات فقر را از دریچه بازار کار قطبی‌شده، ساختار محدود فرصت‌ها، فعالیت‌های غیررسمی فقرا، فرهنگ فقر، زیرساخت‌های نامناسب و محیط ناامنی مناطق فقیرنشین ببینند. هم‌چنین در این تحقیقات فقرا و ساکنان در سکونت‌گاه‌های غیررسمی به‌مثابه حاشیه‌نشین، یک معضل و نه یک راه‌حل، آپاندیست شهری (نقدی و زارع، ۱۳۹۱) و ایجادکننده ناامنی و چالش برای توسعه پایدار در جامعه (عامری سیاهویی، ۱۳۸۹) به‌شمار می‌آیند. افزون بر این، در برخی از این تحقیقات سعی شده است که به فقر از منظر فرهنگ فقر نگریسته شود که در آن، مسئله به فرهنگ فقرا تقلیل داده می‌شود و جای چندان برای دیدگاه‌های عملی/ مقاومتی و کنش صدا وجود ندارد.

در نهایت یکی از یافته‌های مهم این تحقیق این است که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ (شمسی) تحقیقات فقر در ایران بسیار کم‌رنگ بوده‌اند و در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ (شمسی) به‌شکل گسترده‌ای به مسئله فقر شهری توجه جدی شده است. یک دلیل به مسئله عدم وجود بسترهای اطلاعاتی برای انتشار تحقیقات در خصوص فقر مربوط است؛ به این معنا که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ (شمسی) کانال‌های اطلاعاتی- ارتباطی و مکان و فرصت‌های علمی کمتری وجود داشت، اما در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ شمسی با گسترش پایگاه‌های اطلاعاتی تحت وب، گسترش امر آموزش عالی، توسعه رشته‌های مختلف جامعه‌شناسی، اقتصاد، جغرافیا و بسط مقاطع کارشناسی‌ارشد و دکتری و انتشار مجلات مختلف و رشد پژوهشگاه‌های علمی، تمرکز بر تحقیقات فقر و فقرا بیشتر شده است. هم‌چنین یک دلیل دیگر به‌نوعی اجرا کردن سیاست‌های تعدیل ساختاری و نئولیبرالیسم در دهه ۷۰ برگردد که سعی می‌کرد فقر را در سایه مسائل دیگر، از جمله رشد اقتصادی و گسترش بازار قرار دهد. انتظار

می‌رود با توجه به اینکه فقر شهری یک پدیده چندبعدی و متکثر محسوب می‌شود، رشته‌های دیگر هم نقش خود را با توجه به مسئولیت‌ها و رسالت‌های خود در تبیین این مسئله مهم شهری ایفا کنند و بتوانند سهم و مساعدت خود را به انجام برسانند.

انتظار این است که محققان رشته‌های دیگر مانند جامعه‌شناسی، که یکی از رسالت‌های عمده‌اش تحلیل و نقد نابرابری و فقر است به این رشته توجه بیشتری داشته باشد و بتواند هژمونی و تسلط اقتصاد را با توجه به نگاه از بیرونی که این علم به مسئله فقر دارد با چالش مواجه کند. هم‌چنین انتظار می‌رود که دانشگاه‌هایی که در استان‌ها و شهرهای توسعه‌نیافته قرار دارند، از طریق ترغیب و حمایت‌های مالی دانشجویان سطح تحصیلات تکمیلی به تحقیقات بیشتری در مورد فقر شهری بپردازند؛ زیرا همان‌طور که نتایج نشان داد یک نسبت عادلانه، مطلوب و مناسبی بین نرخ فقر شهری استان‌ها و تحقیقات در مورد فقر شهری برقرار نیست. لازم است سیاست‌گذاران برای فقرا و مناطق توسعه‌یافته نسبت به سایر لایه‌های اجتماعی و مناطق توسعه‌یافته اولویت قائل شوند.

علاوه بر این، لازم است که علاقه‌مندان به موضوع فقر شهری در ایران علاوه بر تحقیقات بر اساس مدل‌های اقتصادسنجی و تحلیل‌های فضایی به‌عنوان امر غالب در بسیاری از تحقیقات فقر در کشور به نگاه‌های از درون فقر نیز مراجعه کنند تا بتوانند کنش‌ها و عاملیت‌های فقرا را با روش‌شناسی‌های جدید، از جمله تحقیقات مشارکتی، مردم‌نگاری، پدیدارشناسی، نظریه زمین‌های، تحلیل‌های تاریخی انعکاس دهند. به‌نوعی ضرورت دارد که فقر شهری در ایران در زیر چتر «تکثرگرایی روش‌شناختی» قرار گیرد تا بلکه فهم بهتر، دقیق‌تر، عادلانه‌تر و همه‌جانبه‌تری از آن حاصل شود. لازم است گفتمان فقرپژوهی در ایران از کاربست نظریه‌های محافظه‌کارانه درخصوص فقر، که این شرایط را به خرده فرهنگ فقرا تقلیل می‌دهد، خودداری نماید و به رویکردهای انتقادی‌تر، عاملیت‌مدارانه‌تر کنش صدایی توجه بیشتری نشان دهد.

منابع

۱. احمدی، حبیب و ایمان، محمدتقی (۱۳۸۴). فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده‌پایله شیراز در سال ۱۳۸۳. پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره ۱۹، صص ۹۹-۱۱۸.
۲. اسماعیلی، رضا و امیدی، مهدی (۱۳۹۱). بررسی تجربه حاشیه‌نشینی از دیدگاه حاشیه‌نشینان: یک مطالعه پدیدارشناسانه، *مجله مطالعات شهری*، سال دوم، شماره سوم، صص ۱۷۹-۲۰۸.
۳. آزاد ارمکی، تقی و علیرضا صادقی. (۱۳۹۵). خودمانی‌سازی بازار؛ تهی‌دستان و سیاست معاش. *توسعه محلی (روستائی - شهری)*، ۸(۱)، ۲۷-۵۶.
۴. بیات، آصف (۱۳۷۹). *سیاست‌های خیابانی: جنبش تهی‌دستان در ایران*. مترجم اسدالله نبوی. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
۵. پارسا پژوه، سپیده (۱۳۸۱). نگرشی از درون به پدیده حاشیه‌نشینی، مطالعه موردی: اسلام‌آباد کرج. *مجله رفاه اجتماعی ایران*، شماره ۶، صص ۱۹۸-۱۶۱.
۶. پروین، ستار؛ درویشی‌فرد، علی‌اصغر (۱۳۹۴). خرده‌فرهنگ فقر و آسیب‌های اجتماعی در محلات شهری (مطالعه موردی محله هرندی) *مجله برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۲۳، صص ۹۰-۵۱.
۷. پیران، پرویز (۱۳۸۴). پیامدها و آثار فقر و نابرابری در ایران/ فقر و جنبش‌های اجتماعی در ایران. *فصل‌نامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۷، صص ۴۰-۱۱.
۸. پیران، پرویز (۱۳۶۶). آلودگی‌نشینی در ایران، با نگاهی به شرایط ایران. *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*.
۹. پیران، پرویز (۱۳۸۱). بازهم درباب اسکان غیررسمی مورد: شیرآباد زاهدان، *مجله هفت‌شهر*، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰، صص ۲۴-۷.
۱۰. توسلی، غلام‌عباس؛ نورمرادی، سکینه (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی علل گستره آسیب‌های اجتماعی در بین حاشیه‌نشین‌های شهر تهران، مورد مطالعه: منطقه چهار (خاک‌سفید). *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال چهارم، شماره ۳، صص ۸۰-۶۵.
۱۱. چمبرز، رابرت (۱۳۷۶). توسعه روستایی: اولویت‌بخشی به فقرا (حمایت از اقشار آسیب‌پذیر). مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

۱۲. حسین‌زاده، علی‌حسین؛ نواح، عبدالرضا و اسداللهی، عبدالرحیم (۱۳۹۳). نقش نهاد اقتصاد و فرهنگ در توسعه و حاشیه‌نشینی: شاخص توسعه انسانی در مناطق حاشیه‌نشین شهر ایلام. **جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی**، دوره اول. بهار، شماره ۲، صص ۱۰۹-۱۳۲.
۱۳. ذاکر صالحی، غلامرضا، قانع‌راد، محمدمین (۱۳۹۴). مرور نظام‌مند و فراتحلیل پژوهش‌های ایرانی در قلمرو مطالعات اجتماعی علم و فناوری. **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، دوره ۹، شماره ۲، تابستان، صص ۲۹-۶۳.
۱۴. راغفر، حسین؛ شیرزاد مقدم، مریم و سنگری مهدب، کبری (۱۳۸۹). سیمای فقر کودکان در مناطق بیست‌و دوگانه در سال ۱۳۸۷. **فصل‌نامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال نهم، شماره ۳۵، صص ۲۴۰-۲۲۱.
۱۵. رهنما، مجید (۱۳۷۲). لزوم زبانی تازه برای فقر. **مجله گفتگو**، شماره ۲، ۸۹-۶۳.
۱۶. عامری سیاهویی، حمیدرضا؛ رستم‌گورانی، ابراهیم و بیرانوندزاده، مریم (۱۳۸۹). سکونت‌گاه‌های غیررسمی، امنیت و توسعه پایدار شهری - مطالعه موردی: شهر بندرعباس. **مجله مطالعات امنیت اجتماعی**، شماره ۲۴، صص ۶۰-۳۷.
۱۷. عنبری، موسی و بقایی، سارا (۱۳۹۳). ارتباط فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان حاشیه‌نشین شهری، مورد مطالعه: منطقه دیزج شهر همدان. **مجله توسعه روستایی**، دوره ششم، شماره ۲، صص ۲۳۲-۲۰۹.
۱۸. فکوهی، ناصر و پارسا‌پژوه، سپیده (۱۳۸۷). بررسی انسان‌شناختی محله آلونک‌نشین علی‌آباد مهران. **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، دوره دوم، شماره ۲، صص ۹۸-۷۵.
۱۹. فیتزپاتریک، تونی (۱۳۸۱). **نظریه رفاه (سیاست اجتماعی)**. ترجمه هرمز همایون پور، تهران، مؤسسه عالی تأمین اجتماعی.
۲۰. قادری، طاهره و افضلی، مرضیه (۱۳۹۰). چگونگی بر ساخته شدن واقعیت فقر برای فقرا. **فصل‌نامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، شماره ۷، صص ۱۳۶-۹۹.
۲۱. محمدی، محمدعلی؛ ودادهیر، ابوعلی؛ سیفی، علیرضا و مشتاق، روشنگر (۱۳۹۱). فراتحلیل **مطالعات فقر در ایران**. فصل‌نامه رفاه اجتماعی. ۴۸-۷، (۴۵) ۲.
۲۲. نارایان، دیپا؛ چمبرز، رابرت؛ پتس، پتی و شاه میراک (۱۳۹۰). **صدای فقرا فریاد برای تغییر** (پیامدهای توسعه). تهران: کیهان.
۲۳. نقدی، اسداله، زارع، مجید (۱۳۹۱). حاشیه‌نشینی به‌مثابه آپاندیسیت شهری، مورد مطالعه: جعفرآباد- کرمانشاه. **برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، دوره ۲، شماره ۵، ۸۱-۶۵.
۲۴. نورمحمدی، مهدی، حاضری‌نیری، هاتف (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر فقر شهری در ایران. **رفاه اجتماعی**، دوره ۱۱، شماره ۴۰: ۴۰۰-۳۶۷.

25. Amis, P. (1995). Making sense of urban poverty. **Environment and Urbanization**, 7(1), 145-158.
26. Amis, P., & Rakodi, C. (1994). Urban poverty: Issues for research and policy. **Journal of International Development**, 6(5), 627-634.
27. Arimah, B. (2010). The face of urban poverty: Explaining the prevalence of slums in developing countries, United Nations University-World **Institute for Development Economics Research** (UNU-WIDER) Working Paper No.
28. Chambers, R. (1998). **Foreword in 'Whose Voice? Participatory Research and Policy Change'**. Intermediate technology publications.
29. Cohen, B. (2004). Urban growth in developing countries: a review of current trends and a caution regarding existing forecasts. **World development**, 32(1), 23-51.
30. Fahmy, E., Sutton, E., & Pemberton, S. (2015). **Mixed methods in poverty measurement: qualitative perspectives on the 'necessities of life' in the 2012 PSE-UK survey**. In Mixed Methods Research in Poverty and Vulnerability (pp. 9-31). Palgrave Macmillan, London.
31. Habitat, U. N. (2003). **Handbook on best practices—security of tenure and access to land**. UN Habitat, Nairobi.
32. Haddad, L.J., Ruel, M.T., & Garrett, J.L. (1999). Are urban poverty and undernutrition growing? **FCND discussion papers 63**, International Food Policy Research Institute (IFPRI).
33. Hardoy, J. E., Mitlin, D., & Satterthwaite, D. (2013). **Environmental problems in an urbanizing world: finding solutions in cities in Africa, Asia and Latin America**. Routledge.
34. International Institute for Environment and Development. (2013). Urban poverty, food security and climate change, **Human Settlements Working Paper** No.37, March. Retrieved 15 October 2013, from <http://pubs.iied.org/pdfs/10623IIED.pdf>
35. Krumer-Nevo, M., & Benjamin, O. (2010). Critical poverty knowledge: Contesting othering and social distancing. **Current Sociology**, 58(5), 693-714.
36. Lemanski C, Marx, C. (2015). **The city in urban poverty**. Springer.
37. Mathur, O.P. (2013). **Urban poverty in Asia**. Study Prepared for the Asian Development Bank.
38. Mitlin, D. (1995). The underestimation and miss-representation of urban poverty.
39. Mitlin, D. and Satterthwaite, D. (2013). **Urban Poverty in the Global South: Scale and Nature**. Abingdon: Routledge.
40. Ravallion, M., Chen, S., & Sangraula, P. (2007). New evidence on the urbanization of global poverty. **World Bank Policy Research Working Paper Series** 4199. Washington, DC: World Bank.
41. Ruel, M. T., Haddad, L. J., & Garrett, J. L. (1999). Some urban facts of life (No. 64). **International Food Policy Research Institute** (IFPRI).
42. Samanta, D. (2015). **Urban Poverty in Developing Asia—Dichotomy Between the Income and Non-Income Dimensions: Are We Not Grossly Underestimating Its Incidence?** In Poverty reduction policies and practices in developing Asia (pp. 79-105). Springer, Singapore.
43. Satterthwaite, D. (2001). Reducing urban poverty: constraints on the effectiveness of aid agencies and development banks and some suggestions for change. **Environment and Urbanization**, 13(1), 137-157.

44. Sridhar, K. S. (2015). Is urban poverty more challenging than rural poverty? A review. **Environment and Urbanization Asia**, 6(2), 95-108.
- 45.** United Nations Human Settlements Programme. (2003). **the challenge of slums: global report on human settlements**, 2003. UN-HABITAT.
46. Wratten, E. (1995). Conceptualizing urban poverty. **Environment and Urbanisation**, 7 (1): 11-38.